مدخل

روایت سفری که تمام نمی‌شود

پایان پیاده‌روی، آغاز زندگی اربعینی

«بازگشت» شاید سخت‌ترین بخش سفر اربعین باشد؛ نه به‌خاطر خستگی راه، نه به‌خاطر پایان پیاده‌روی، بلکه به‌خاطر فاصله‌ای که ناگهان میان انسان و آن جهان متفاوت ایجاد می‌شود. جهانی که در آن غربت‌ها برایت دعا می‌کنند، در خانه‌هایشان را به رویت می‌گشایند، بهترین دارایی‌شان را بی‌هیچ چشمداشتی تقدیمت می‌کنند و از اینکه خدمتی به تو کرده‌اند، خود را به‌حکارتر می‌دانند تا طلبکار.

چند روز زندگی در چنین فضایی، این پرسش را در ذهن هر زائری ایجاد می‌کند که چرا نمی‌شود همیشه اینگونه زندگی کرد؟ چرا در مسیر نجف تا کربلا، مهربانی اینقدر طبیعی است، اما در شهرهای خودمان، گاهی لبخند زدن هم دشوار می‌شود؟ چرا در اربعین، میلیون‌ها نفر بدون قرارداد، بدون اجبار و بدون منفعت شخصی، بزرگ‌ترین شبکه خدمت‌رسانی جهان را شکل می‌دهند، اما پس از بازگشت، دوباره گرفتار روزمرگی، رقابت، فردگرایی و بی‌تفاوتی می‌شویم؟

شاید پاسخ این پرسش در یک نکته نهفته باشد. اینکه بسیاری از ما، اربعین را «یک سفر» می‌بینیم، نه «یک مدرسه.» سفری که آغاز و پایان دارد، اما مدرسه‌ای که قرار است سبک زندگی بیاموزد، با رسیدن به مقصد تمام نمی‌شود. اگر اربعین را تنها به خاطرهای شیرین از چند روز پیاده‌روی تقلیل دهیم، طبیعی است که حال خوش آن نیز به مرور کمرنگ شود، اما اگر آن را تمرینی برای زیستن بدانیم، آنگاه پایان سفر، آغاز مسئولیت ما خواهد بود.

در واقع، مهم‌ترین سوغات اربعین نه تسبیح است، نه انگشتر به پرچم و نه عکس‌های یادگاری؛ مهم‌ترین سوغات، تغییر انسان است؛ تغییری که اگر به رفتارهای روزمره راه پیدا نکند، به تدریج در هیاهوی زندگی گم خواهد شد.

ویژگی شگفت‌انگیز اربعین این است که بسیاری از ارزش‌های اخلاقی را از سطح شعار به میدان عمل می‌آورد. مفاهیمی مانند ایثار، خدمت، همدلی، صبر، گذشت و توکل، در اربعین فقط درباره‌شان سخن گفته نمی‌شود، زندگی می‌شوند. ما در این مسیر، انسان‌هایی را می‌بینیم که یک سال تلاش و پس‌انداز می‌کنند تا فقط چند روز از زائران پذیرایی کنند. پیرزنی که همه دارایی‌اش را برای پخت چند دیگ غذا خرج می‌کند، کودکی که با یک بطری آب از زائران استقبال می‌کند، جوانی که ساعت‌ها کفش زائران را واکس می‌زند یا پزشکی که بدون دریافت دستمزد، شبانه‌روز به درمان بیماران مشغول است؛ همه اینها یک پیام مشترک دارند: انسان می‌تواند محور زندگی‌اش را از «خود» به «دیگری» تغییر دهد.

اگر این تجربه تنها در همان مسیر باقی بماند، اربعین یک خاطره شیرین می‌شود، اما اگر به خانه و محل کار و جامعه منتقل شود، آنگاه اربعین به فرهنگ تبدیل خواهد شد.

یکی از نخستین تغییراتی که زائر در اربعین تجربه می‌کند، افزایش حس همدلی است. در آن مسیر، انسان خود را جدا از دیگران نمی‌بیند. اگر زائری خسته باشد، انگار خستگی او، خستگی همه است. اگر کسی گرسنه باشد، دهها نفر برای سیر کردن او پیشقدم می‌شوند. این روحیه، برخاسته از همان نگاه دینی است که مؤمنان را اعضای یک پیکر می‌داند، اما مسئول مهم این است که آیا این همدلی باید فقط در جاده نجف تا کربلا معنا داشته باشد؟

شاید خاطره اثر اربعین، از همین جا آغاز شود؛ از اینکه بعد از بازگشت، در همکار، همسایه، دوست یا حتی یک غریبه را نیز ببینیم. گاهی یک تماس تلفنی، یک احوالپرسی، یک دلجویی ساده یا چند دقیقه وقت گذاشتن برای شنیدن حرف‌های دیگری، ادامه همان مسیر اربعین است.

اربعین بزرگ‌ترین اجتماع انسانی جهان است، اما عجیب آنکه ستون اصلی آن را مردم تشکیل می‌دهند. میلیون‌ها نفر، بدون آنکه یکدیگر را بشناسند، مسئولیت بخشی از این حرکت را برعهده می‌گیرند. این تجربه، یک درس مهم اجتماعی‌اش را دارد؛ هیچ جامعه‌ای با تماشاگرانش ساخته نمی‌شود. همه باید سهمی در بهتر شدن آن داشته باشند.

بعد از اربعین، شاید لازم باشد این سؤال را هر روز از خود بپرسیم: «امروز سهم من برای بهتر شدن خانواده، محل کار، محله یا شهرم چیست؟» گاهی این سهم، یک ساعت فعالیت داوطلبانه است؛ گاهی آموزش رایگان به یک دانش‌آموز، گاهی کمک به یک سالمند و گاهی فقط مسئولیت‌پذیر بودن در انجام وظایف روزانه. یکی از زیباترین جلوه‌های اربعین، مهربانی بدون انتظار جبران است. مو کبدار از زائر تشکر نمی‌خواهد؛ حتی گاهی از او می‌خواهد که برایش دعا کند. گویی خود را بدهکار می‌داند.

دنیای امروز، روابط را تا حد زیادی به معامله تبدیل کرده است؛ «اگر برای من کاری بکنی، من هم برایت کاری می‌کنم.» اربعین یادآور می‌شود که می‌توان بدون محاسبه سود و زیان نیز محبت کرد. اگر تنها همین یک ویژگی را با خود به خانه ببریم، بسیاری از روابط خانوادگی، اجتماعی و حتی اداری دگرگون خواهد شد.

اربعین نشان می‌دهد که آرامش الزاماً محصول امکانات بیشتر نیست. میلیون‌ها نفر، روزها روی زمین می‌خوابند، غذای ساده می‌خورند، ساعت‌ها پیاده‌روی می‌کنند، اما احساس رضایت و آرامشی دارند که شاید در زندگی‌های مرفه کمتر یافت شود. این تجربه، نقدی عملی بر فرهنگ مصرف‌گرایی است. ما گاهی تصور می‌کنیم خوشبختی، در خرید بیشتر، خانه بزرگ‌تر یا امکانات لوکس‌تر است، در حالی که اربعین نشان می‌دهد انسان می‌تواند با امکانات کمتر، اما با روابط انسانی عمیق‌تر، احساس رضایت بیشتری داشته باشد. شاید یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های پس از اربعین، ساده‌تر کردن سبک زندگی و فاصله گرفتن از چشم‌وهم‌چشمی‌های فرساینده باشد.

در مسیر اربعین، انسان احساس امنیت می‌کند. مطمئن است اگر تنشه شود، آبی خواهد یافت؛ اگر خسته شود، جایی برای استراحت هست و اگر بیمار شود، کسی به کمکش خواهد آمد. این اعتماد، اتفاقی نیست؛ محصول مسئولیت‌پذیری جمعی است. جامعه ما نیز بیش از هر زمان دیگری به بازسازی اعتماد نیاز دارد. خوش‌قولی، امانتداری، انصاف در معامله، رعایت حقوق دیگران و انجام درست مسئولیت‌ها، همه راه‌هایی برای زنده نگه داشتن همان سرمایه اجتماعی هستند که در اربعین تجربه می‌کنیم.

بسیاری تصور می‌کنند خدمت، فقط در قالب موکب‌داری معنا پیدا می‌کند، در حالی که میدان خدمت، تمام زندگی است. می‌توان هر روز، راه خانه یا محل کار را برای خدمت به دیگران اختصاص داد؛ کمک به یک نیازمند، آموزش یک مهارت، حضور در فعالیت‌های داوطلبانه، رسیدگی به سالمندان، یا حتی احترام و توجه بیشتر به اعضای خانواده. اربعین به ما آموخت که خدمت، یک مناسبت نیست؛ یک سبک زندگی است. برای اینکه حال خوش اربعین به مرور زمان فراموش نشود، باید آن را به رفتارهای کوچک، اما مستمر تبدیل کنیم. تجربه نشان داده است که تحول‌های بزرگ، با تصمیم‌های کوچک و مداوم ماندگار می‌شوند. می‌توان هر روز یک کار خیر پنهانی انجام داد؛ در هفته بخشی از درآمد را برای نیازمندان کنار گذاشت؛ هر ماه در یک فعالیت اجتماعی یا خیرخواهانه مشارکت کرد؛ ارتباط با قرآن، دعا و زیارت را حفظ کرد و مهم‌تر از همه، اجازه نداد مشغله‌های زندگی، انسان را دوباره به محور عالم تبدیل کند.

اربعین، مدرسه «ما» شدن است، در حالی که بسیاری از بحران‌های امروز، محصول غلبه «من» بر «ما»ست. اربعین در روز بیستم صفر پایان نمی‌یابد؛ آن روز فقط پیاده‌روی تمام می‌شود. اربعین واقعی از لحظه‌ای آغاز می‌شود که زائر به خانه بازمی‌گردد و تصمیم می‌گیرد همان انسانی بماند که در مسیر نجف تا کربلا بود.

اگر پس از سفر، مهربان‌تر باشیم، اگر ساده‌تر زندگی کنیم، اگر سهم بیشتری از وقت و دارایی خود را به دیگران اختصاص دهیم، اگر نسبت به رنج انسان‌ها حساس‌تر شویم و اگر خدمت را از مناسبت به عادت تبدیل کنیم، آنگاه اربعین در زندگی ما ادامه پیدا کرده است.

شاید بزرگ‌ترین معیار قبولی در این مدرسه، این نباشد که چند کیلومتر پیاده رفتیم، بلکه این باشد که پس از بازگشت، چند قدم به انسانی که خدا از ما می‌خواهد نزدیک‌تر شده‌ایم. اربعین، اگر در رفتار ما امتداد پیدا کند، دیگر یک خاطره نیست؛ به یک سبک زندگی تبدیل شده است.

حجت‌الاسلام حمیدرضا بیگدلو، پژوهشگر و نویسنده حوزه اربعین:

زائر راستین اربعین پس از بازگشت بیعت خود را نمی‌شکند

حجت‌الاسلام حمیدرضا بیگدلو، پژوهشگر و نویسنده حوزه اربعین، در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: کسی که زیارت اربعین را تجربه می‌کند، یک سبک زندگی جدید را به‌صورت عینی مشاهده می‌کند؛ سبکی از زندگی که به‌جز در اربعین و فرهنگ شیعه، در هیچ نقطه دیگری از جهان نمونه‌ای برای آن نمی‌توان یافت. «زائر راستین اربعین پس از بازگشت، بیعت خود را نمی‌شکند و انسانی متفاوت خواهد شد. متن پرسش و پاسخ ما با وی به شرح زیر است.

■■■

اگر بخواهید مهم‌ترین «آورده»ی زائر اربعین را در یک مفهوم خلاصه کنید، آن مفهوم چیست و چرا؟

آورده زائر راستین اربعین، در واقع اعلان بیعت با سیدالشهدا(ع) است. کسی که این مسیر را طی و حقیقت آن را درک کرده است، در واقع برای بیعت با اباعبدالله‌الحسین(ع) قدم در این راه گذاشته است. طبیعتاً کسی که بیعت کرده و عهد و پیمانی بسته است، باید پیش از سفر و پس از سفر، متفاوت باشد و بیعت خود را نشکند. از این منظر، اربعین سفر عهد و پیمان است؛ سفر تغییر، رشد و تعالی معنوی. با چنین نگاهی باید به این سفر مشرف شویم و از آن بازگردیم؛ با این باور که قرار است در این مسیر، تحولی جنمگیر و رشدی قابل توجه در زندگی معنوی ما رقم بخورد.

اربعین چگونه می‌تواند نگرش انسان را نسبت به زندگی روزمره، موفقیت، مصرف‌گرایی و سبک زندگی تغییر دهد؟

کسی که زیارت اربعین را تجربه می‌کند، یک سبک زندگی جدید را به‌صورت عینی مشاهده می‌کند؛ سبکی از زندگی که به‌جز در اربعین و فرهنگ شیعه، در هیچ نقطه دیگری از جهان نمونه‌ای برای آن نمی‌توان یافت. این سبک زندگی، بر پایه بخشش، ایثار، خدمت و پذیرایی از دیگران شکل گرفته و براساس حب و بغض الهی تنظیم شده است. اگر بخواهیم چند واژه کلیدی را برای سبک زندگی اربعینی برشمارم، یکی از مهم‌ترین آنها «خدمت»گی است. کسی که زیارت اربعین را تجربه کرده است، هنگامی که به زندگی روزمره خود بازمی‌گردد، یکی از مهم‌ترین تغییراتی که باید در رفتار و سبک زندگی او نمود پیدا کند، تهاجم‌نبدن فرهنگ بخش و خدمت به دیگران است. حب و بغض ما نسبت به امام حسین(ع) در نحوه رفتار، گذشت و بخشش ما نسبت به دیگران معنا پیدا می‌کند. در بسیاری از مواکب، جمله «حب الحسین یجمعنا» نقش بسته است. این شعار تنها یک عبارت نیست، بلکه تجلی همین فرهنگ بخشش و همدلی است.

کدام تغییرات روحی و روانی پس از سفر اربعین بیشتر تکرار شده است؟ آیا این تغییرات ماندگار هستند یا کوتاه‌مدت؟

در زیارت اربعین سیدالشهدا(ع) فسرازی وجود دارد که امام‌صادق(ع) خطاب به حضرت می‌فرمایند: «نَذِلُ مُهَجَتَنَا فیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الجَهَالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلَالَةِ». براساس این فراز، انسر خون مطهر سیدالشهدا(ع) باید این باشد که انسان را از وادی جهالت، گمراهی و سرگردانی نجات دهد. بنابراین، اگر بخواهیم مهم‌ترین تغییرات روحی و روانی پس از اربعین را ترسیم کنیم، باید بگوییم که از میزان سرگشتگی انسان کاسته و هدفمندی او در زندگی بزرگ‌تر می‌شود. البته تحقق این امر، مشروط به آن است که زائر پیش از سفر، هدف خود را از این زیارت برای خویش روشن کرده باشد. حضور در کنار دوستان، خانواده و جمع‌های پرشور زائران، از زیبایی‌های سفر اربعین است، اما یک نکته بسیار مهم و طلایی در این زیارت آن است که زائر، زمانی را نیز به خلوت با خود اختصاص دهد. برای مثال، در مسیر پیاده‌روی، یک یا دو ساعت را به ذکر، تفکر و تأمل درباره هدف زندگی، غایت خلقت و فلسفه این سفر اختصاص دهد. چنین تأمل و تفکری است که زمینه‌ساز تغییرات عمیق روحی و روانی می‌شود و اگر این نگاه پس از سفر نیز حفظ شود، این تحولات می‌توانند ماندگار باشند.

بسیاری از زائران از حس همدلی، ایثار و آرامش در مسیر اربعین سخن می‌گویند. این تجربه چگونه می‌تواند پس از بازگشت به خانواده، محل کار و جامعه منتقل شود؟

شاید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بازگشت از اربعین، نهادینه شدن فرهنگ بخشش و خدمت در زندگی زائران باشد. در مسیر اربعین، از یک سو موکب‌های بزرگ و مجلل با پذیرایی‌های گسترده را می‌بینید و از سوی دیگر، خانواده‌ای را مشاهده می‌کنید که با یک سجاده جرد که در مسیر ایستاده و غذایی ساده میان زائران توزیع می‌کند. حتی کودکی را می‌بینید که تنها با یک پارچ آب و لیوانی ساده، از زائران سیدالشهدا(ع) پذیرایی و تکریم می‌کند. این تنوع و تکثر در خدمت، پیام مهمی را به زائر منتقل می‌کند و آن اینکه مهم، میزان امکانات نیست؛ مهم آن است که وجیه بخشندگی و خدمت به امام‌حسین(ع) در وجود انسان زنده باشد. گویا زیاد بودن خدمت در درجه اول اهمیت ندارد، بلکه آنچه ارزش دارد، اخلاص و انجام وظیفه به اندازه توان و وسع انسان است. ممکن است فردی از نظر مالی امکانات محدودی داشته باشد و تنها بتواند با توزیع چند بطری آب یا ارائه خدمت جزئی کوچک در مسیر اربعین(ع) قدمی بردارد؛ همان خدمت ناچیز حضرت زهرا(س) و پذیرفته است. در مقابل کسی که از امکانات مادی بیشتری برخوردار است، طبیعتاً مسئولیت بیشتری نیز برای خدمت خواهد داشت. بنابراین، این فرهنگ باید پس از بازگشت از اربعین در خانواده، محل کار و جامعه انجام پیدا کند. هر کس باید با توجه به توانایی‌ها و تخصص خود به میدان خدمت وارد شود؛ یکی هنرمند و نقاش است، دیگری خوشنویس، کارمند، نویسنده، صاحب شغل آزاد یا فعال در حرفه‌ای فنی. مهم آن است که هر فرد در جایگاه خود بیندیشد چه خدمتی از او برمی‌آید و همان توانایی را با اخلاص در مسیر خدمت به امام‌حسین(ع) و ترویج فرهنگ حسینی به کار گیرد.

به نظر شما، مهم‌ترین تفاوت میان «تجربه زیارت اربعین» و «سایر سفرهای معنوی یا گردشگری چیست که این میزان اثرگذاری را ایجاد می‌کند؟

باید گفت که سفرهای گردشگری و سیاحتی، عمدتاً با هدف کسب تجربه‌های جدید، استراحت یا بهره‌مندی از لذت‌های مادی انجام می‌شوند، اما زیارت اربعین سیدالشهدا(ع) ماهیتی کاملاً متفاوت دارد. این سفر بر پایه لذت مادی یا صرفاً تجربه‌های جدید بنا نشده، بلکه سفری فعالانه، آگاهانه و برخاسته از محبت و ایمان است. زیارت اربعین، سفری است که بر محور محبت به امام‌حسین(ع) و اعلام برائت و انزجار از ظلم و ظالمان، از صدر اسلام تا امروز شکل گرفته است. بر خلاف سفرهای تفریحی، در اینجا انسان احساس می‌کند در حال انجام یک وظیفه دینی و ادای یک مسئولیت معنوی است. زائر با حضور در این مسیر، گویی پس از فرن‌ها به ندای «هَل مِن ناصِر یَنْصُرُنی» سیدالشهدا(ع) لبیک می‌گوید و با خود می‌گوید: «اگر چه در روز عاشورا امکان یاری حضرت را نداشتم، اما امروز برای تجدید عهد و اعلام وفاداری به آن آرمان‌ها قدم در این مسیر گذاشته‌ام.

اگر کسی بپرسد اربعین چگونه می‌تواند یک زندگی را دگرگون کند، فقط در احساسات، تغییر دهد، پاسخ شما چیست؟

اتفاقاً اربعین تجلی عمل است، نه صرفاً احساس. اگر قرار بود این حرکت تنها یک احساس قلبی باشد، هر کسی می‌توانست در خانه خود بنشیند و بگوید که برای امام‌حسین(ع) عزاداری می‌کند. اما اربعین، عرصه ظهور و بروز ایمان در میدان عمل است. در این سفر، روحیه عمل گرایی را به وضوح در رفتار زائران مشاهده می‌کنیم. زائری که از مال خود هزینه می‌کند، از خانه و زندگی‌اش دل می‌کند، از روال عادی زندگی فاصله می‌گیرد و خود را وارد مسیری پر از سختی و چالش می‌کند. او در گرمای هوا، مسیر طولانی راطی می‌کند، ساعت‌خواب و استراحتش تغییر می‌کند، نوع تغذیه و شرایط زندگی‌اش متفاوت می‌شود و بسیاری از زائران بهای همینگی خود را کنار می‌گذارد. همه اینها نشان می‌دهد که محبت او به امام‌حسین(ع) از مرحله احساس عبور کرده و در عرصه عمل جلوه پیدا کرده است. از سوی دیگر، در رفتار موکب‌داران نیز همین حقیقت به‌روشنی دیده می‌شود. آنان تنها از محبت اهل‌بیت(ع) سخن نمی‌گویند، بلکه این محبت را با عملکرد خود عینیت می‌بخشند. از مال خود هزینه می‌کنند، گاهی وسایلها را می‌فروشند یا از پس‌اندازشان خرج می‌کنند، از خواب و استراحت خود می‌گذرند و شبانه‌روز برای زائران اباعبدالله‌الحسین(ع) غذا، محل اسکان و امکانات مورد نیاز فراهم می‌کنند.

چه عواملی باعث می‌شود برخی زائران از این سفر یک تحول عمیق به دست آورند، اما برخی دیگر صرفاً یک خاطره خوب با خود ببرند؟

اربعین دارای سطوح مختلفی از تجربه است. سطح ظاهری آن، همان سفر به کشوری و پیاده‌روی از مرزهای و خدمات ارزشمند مردم است؛ جایی که میزبانان با تمام توان تلاش می‌کنند بهترین پذیرایی را از زائران داشته باشند، اما این تنها لایه ظاهری اربعین است. زائر هوشمند کسی است که از این ظاهر عبور کرده و به عمق این تجربه برسد، یعنی در طول مسیر به تفکر، تأمل و شناخت بپردازد. او می‌اندیشد که چنین سفری در طول تاریخ تشیع برای بسیاری از شیعیان ممکن نبوده است و امروز ما از این نعمت بزرگ برخوردار شده‌ایم که در چنین عصری زندگی می‌کنیم و توفیق حضور در این اجتماع عظیم را داریم. یکی از مهم‌ترین عواملی که انسان را از سطح اربعین به سطح دیگر می‌رساند، اندیشیدن به سیر تاریخی تشیع است. اینکه روزگاری شیعیان تنها به جرم زیارت سیدالشهدا(ع) با سخت‌ترین مجازات‌ها، حتی قطع دست، روبه‌رو می‌شدند، اما امروز میلیون‌ها نفر با عشق، کیفیت و گسترده‌گی، آزادانه راهی زیارت حضرت می‌شوند. تأمل در این حقیقت، روح شکرگزاری را در انسان زنده می‌کند. زائر احساس می‌کند که خداوند نعمت بسیار بزرگی را نصیب او کرده است؛ نعمتی که شاید بسیاری از شیعیان در طول تاریخ از آن محروم بوده‌اند. همین احساس شکر، زمینه‌ساز تحول عمیق در انسان می‌شود.

آورده زائر راستین اربعین، اعلان بیعت با سیدالشهدا(ع) است. کسی که این مسیر را طی و حقیقت آن را درک کرده است، در واقع برای بیعت با اباعبدالله‌الحسین(ع) قدم در این راه گذاشته است. طبیعتاً کسی که بیعت کرده و عهد و پیمانی بسته است، باید پیش از سفر و پس از سفر، متفاوت باشد و بیعت خود را نشکند

حجت‌الاسلام مهدی دولابی، کارشناس دینی:

اربعین زمانی اثرگذار است که در زندگی زائر جاری شود

عکس: مریم شعبانی / اسلیم

به نظر شما اگر کجا می‌توان فهمید اربعین در زندگی یک انسان اثر گذاشته است؟ مهم‌ترین نشانه‌های این تغییر در رفتار و سبک زندگی چیست؟

اربعین صرفاً یک سفر زیارتی یا اجتماع عظیم انسانی نیست، بلکه مدرسه‌ای برای تربیت انسان مؤمن و تجدید بیعت با آرمان‌های حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) است. محبت، اشک و سوگواری بر سیدالشهدا(ع) از بزرگ‌ترین شعائر الهی است. اما این اشک زمانی به کمال اثر خود می‌رسد که در رفتار، اخلاق و سبک زندگی انسان نیز تجلی یابد. به تعبیر دیگر، اشک بر امام حسین(ع) پایان راه نیست، بلکه آغاز مسیر «حیات حسینی» است. نخستین نشانه این تحول، تقویت ایمان و معرفت نسبت به امام حسین(ع) و اهداف عاشورا است. زائر اربعین پس از بازگشت در برابر گناه، ظلم، فساد و بی‌عدالتی بی‌تفاوت نمی‌ماند، نسبت به نماز، رعایت حقوق دیگران و حفظ زبان از غیبت و تهمت اهتمام بیشتری پیدا می‌کند و در خانواده و جامعه، اخلاق حسینی را به نمایش می‌گذارد. دومین نشانه، تداوم روحیه خدمت و ایثار است. اگر فرهنگ خدمت بی‌منت اربعین در خانواده، مسجد، هیئت، محل کار و جامعه ادامه پیدا کند، یعنی زائر پیام اربعین را با خود به خانه آورده است. اربعین همچنین نگاه انسان را به دنیا اصلاح می‌کند و او را از تجمل‌گرایی و فردگرایی دور ساخته به سوی قناعت، همدلی، انفاق و مسئولیت‌پذیری سوق می‌دهد. این حرکت عظیم، ظرفیتی برای تقویت هویت اسلامی، محبت اهل‌بیت(ع)، وحدت امت اسلامی و فرهنگ مقاومت است. در نهایت، معیار اثرگذاری اربعین آن است که انسان پس از بازگشت تا چه اندازه به امام حسین(ع) شبیه‌تر شده باشد. اگر اخلاقش نیکوتر، عدالتش خالصانه‌تر، خدمتش به مردم بیشتر و پایبندی‌اش به ارزش‌های اسلامی عمیق‌تر شده باشد، می‌توان گفت زیارت اربعین در جان او اثر گذاشته و از یک سفر چند روزه به یک سبک زندگی حسینی تبدیل شده است.

بسیاری از زائران پس از بازگشت، نگرانند حال و هوای معنوی اربعین به مرور کمرنگ شود. از نگاه دینی، چگونه می‌توان این دستاورد معنوی را در زندگی روزمره حفظ کرد؟

این نگرانی، خوف نشانه ارزشمند بودن سرمایه‌ای است که مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی را در زندگی خود حفظ کند. کسی که نگران کمرنگ شدن نور اربعین در دل خود است، حقیقتی را برگزیده است. سیدالشهدا(ع) راچشیده و می‌خواهد آن را ماندگار سازد. در معارف اسلامی، هدف از عبادت تنها تجربه یک احساس معنوی زودگذر نیست، بلکه ساختن انسانی است که در همه ابعاد زندگی رنگ بندگی خدا و ولایت اهل‌بیت(ع) را داشته باشد. از این‌رو، اربعین پایان یک سفر نیست، بلکه آغاز یک مسیر است و ارزش حقیقی آن زمانی آشکار می‌شود که آثارش در اخلاق، رفتار، خانواده و روابط اجتماعی انسان دیده شود. یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ دستاوردهای اربعین، تبدیل شور معنوی به برنامه عملی است. اگر عهدهایی مانند اهتمام به نماز اول وقت، تلاوت قرآن، پرهیز از غیبت، رعایت حق‌الناس و دستگیری از نیازمندان پس از بازگشت نیز ادامه یابد، حال معنوی اربعین به تدریج به یک سبک زندگی تبدیل خواهد شد. زائر همچنین باید ارتباط قلبی خود را با حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) حفظ کند. پیوند با سیدالشهدا(ع) باید در تمام سال با زیارت، یاد، معرفت و عمل به سیره آن حضرت استمرار داشته باشد. مکتب عاشورا از انسان حرکت می‌خواهد، نه توقف. بهترین راه حفظ دستاوردهای انسان شده است که هر زائر برای خود یک «عهد اربعینی» تعریف کند؛ مانند ترک یک گناه، انجام مستمر یک عمل صالح، کمک به نیازمندان یا اهتمام بیشتر به تربیت معنوی خانواده. چنین عهدی، اربعین را از یک خاطره معنوی به جریانی ماندگار در زندگی تبدیل می‌کند؛ تا زائر در فراز و نشیب‌های زندگی، همواره خود را شاگرد مکتب سیدالشهدا(ع) بداند و هر روز به اخلاق و آرمان‌های آن حضرت نزدیک‌تر شود.

فرهنگ خدمت، یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های اربعین است. این روحیه چگونه می‌تواند پس از سفر در خانواده، محیط کار و جامعه ادامه پیدا کند؟

یکسی از زیباترین جلوه‌های اربعین، فرهنگ بی‌نظیر خدمت است. فرهنگی که در آن میلیون‌ها انسان، بدون هیچ چشمداشت مادی و با اخلاص، خدمت به زائران حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) را افتخار می‌دانند. اگر این روحیه از مرزهای کربلا فراتر رفته و وارد زندگی روزمره خانواده، محل کار یا جامعه شود، می‌تواند بسیاری از مشکلات اخلاقی و اجتماعی جامعه را درمان کند. نخستین جایی که این روحیه باید ادامه پیدا کند، دل‌ها و خانواده است. خوش‌اخلاقی، همکاری در امور خانه، احترام به والدین، صبر در برابر فرزندان و توجه به نیازهای عاطفی خانواده، جلوه‌های خدمت حسینی هستند. در محیط کار نیز اگر انسان شغل خود را خدمتی به بندگان خدا بداند، صداقت، امانتداری و مسئولیت‌پذیری او افزایش می‌یابد و جامعه از آسیب‌هایی مانند کم‌کاری، بی‌تفاوتی و تضییع حقوق مردم فاصله می‌گیرد. در عرصه اجتماعی نیز اربعین به ما می‌آموزد که هر انسان باید سهم خود را در خدمت به دیگران ایفا کند؛ از کمک به نیازمندان و فعالیت‌های خیرخواهانه گرفته تا حضور در مساجد و هیئت‌ها و کمک‌های داوطلبانی. این روحیه، اگر از انسان شروع شود، می‌تواند به یک سبک زندگی حسینی تبدیل شده است.

بسیاری از زائران برای حفظ دستاوردهای معنوی اربعین برنامه‌ای پس از بازگشت داشته باشند، چه توصیه‌هایی بر اساس تجربه و پژوهش ارائه می‌کنید؟

تجربه هر زائر از اربعین، متناسب با شرایط فردی او مانند سن، فرهنگ، جنسیت، شرایط زندگی و نوع نگاهش متفاوت است. بنابراین شاید نتوان برای همه یک نسخه واحد و کلی ارائه کرد. اما مهم‌ترین موضوعی که هر زائر پس از بازگشت از سفر اربعین باید به‌عنوان یک هدف اربعینی خود ترسیم کند، حفظ و ادامه دادن سبک زندگی اربعینی است. در مسیر اربعین، خادمان و موکب‌داران، افراد را براساس ملیت، ظاهر، سن، شهر، قومیت یا قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی نمی‌کنند. نگاه آنان این است که همین خادم از سیدالشهدا(ع) هستم» و همین تعلق به مسیر اهل‌بیت(ع)، محور خدمت و ارتباط قرار می‌گیرد. اگر بتوانیم پس از بازگشت، این فرهنگ خدمت را در زندگی خود حفظ کنیم، بخش بزرگی از دستاورد اربعین را حفظ کرده‌ایم. فرهنگ خدمت، زندگی بر مدار محبت به اولیای الهی و ایجاد ارتباط با دیگران براساس معیارهای حسینی، از مهم‌ترین دستاوردهایی است که یک زائر می‌تواند از اربعین با خود به زندگی روزمره منتقل کند.

اگر بخواهید در یک جمله به مخاطبی که تاکنون اربعین را تجربه نکرده بگویید مهم‌ترین راهرد این سفر چیست، آن جمله چه خواهد بود؟

به‌عنوان کسی که از سال ۱۳۹۱ تجربه زیارت اربعین را داشته‌ام، باید عرض کنم که اگر بخواهم در یک جمله این تجربه را بیان کنم، می‌گویم زیارت اربعین، عمیق‌ترین، لذت‌بخش‌ترین و متفاوت‌ترین تجربه زیست دینی است که انسان می‌تواند آن را تجربه کند. کسی که زیارت اربعین سیدالشهدا(ع) را تجربه نکرده است، خود را از تجربه بی‌نظیر و عینی از انسانیت، محبت، ایثار، خدمت و جلوه‌های عملی دین محروم کرده و ممکن است بعدها حسرت چنین فرصتی را بخورد. چه از نظرة دنیوی و چه از منظر اخروی، دوری از زیارت سیدالشهدا(ع) می‌تواند فرصت خیرات و پشیمانی باشد. فرقی نمی‌کند این سفر یک روزه باشد یا چند روزه، کوتاه باشد یا طولانی، مهم آن است که انسان به هر اندازه که می‌تواند خود را به این زیارت برساند و از این فرصت بهره‌مند شود.

نکته

سوغاتی‌هایی که در چمدان جا نمی‌شوند!

اگر از بسیاری از زائران بپرسید زائر شدند ترین سوغات این سفر چه بوده است، پاسخ شان از صبری ابدی که در مسیر آموخته‌اند، از آرامشی که به دست آورده‌اند، از مهربانی‌هایی که بی‌هیچ چشم‌داشتی دیده‌اند و از تغییری که پس از بازگشت، در نگاهشان به زندگی ایجاد شده است. سال‌هاست درباره شکوه راهپیمایی اربعین، حضور میلیون‌ها زائر و عظمت این اجتماع بزرگ مردمی گزارش‌های فراوانی نوشته شده است، اما پرسش مهم این است که پس از پایان سفر، چه چیزی از این تجربه در زندگی انسان باقی می‌ماند؟ اگر اربعین تنها به پیاده‌روی و توفیق حضور در چند عکس یادگاری محدود شود، اثر آن نیز به همان روزها ختم خواهد شد، اما اگر آنچه انسان در این مسیر تجربه می‌کند به رفتارهای روزمره او نیز راه پیدا کند، می‌توان گفت اربعین با بازگشت از کربلا پایان نمی‌یابد بلکه باید از خانه آغاز شود.

■■■

صحنه‌های نادر

در مسیر نجف تا کربلا، صحنه‌هایی بیش چشم زائران قرار می‌گیرد که شاید در زندگی روزمره کمتر دیده شوند. پیرمردی که شاید سال‌ها کنار سماور ایستاده و برای رهگذران چای می‌ریزد، پزشکی که بدون چشم‌داشت به زائران خسته خدمت می‌کند، نوجوانی که کفش‌ها را مرتب می‌کند و کودکی که با شوق، آب میان جمعیت پخش می‌کند. وجه مشترک همه این تصویرها، خدمتی است که نه از سر اجبار بلکه از روی عشق و احساس مسئولیت انجام می‌شود. اما آنچه از این مسیر به یادگار می‌ماند، تنها تصاویر و خاطرات نیست، بلکه اثرگذاری‌هایی است که در وجود انسان شکل می‌گیرد. بسیاری از زائران پس از پایان سفر، بیش از گذشته احساس می‌کنند سخن بگویند، از حال و هوایی حرف می‌زنند که در این راه تجربه کرده‌اند، تجربه‌ای از همدلی، بخشش و دیدن دیگری.

خدمت، زبان مشترک میلیون‌ها زائر

در اربعین، خدمت فقط وظیفه موکب‌داران نیست. هر کس به اندازه توان خود تلاش می‌کند یاری از دوش دیگری بردارد. یکی دست سالمندی را می‌گیرد، یکی مسیر را به زائری نازپرورده نشان می‌دهد و فردی دیگر با یک رفتار ساده، خستگی همسفرش را کمتر می‌کند. همین تجربه، یکی از مهم‌ترین درس‌های اربعین را آشکار می‌کند، اینکه زندگی فقط به آنچه از دیگران دریافت می‌کنیم خلاصه نیز معنا پیدا می‌کند.

کارشناسان علوم تربیتی معتقدند ارزش‌های اخلاقی زمانی ماندگار می‌شوند که انسان آنها را تجربه کند. نه اینکه فقط درباره‌شان بشنود. اربعین نیز چنین فرصتی فراهم می‌کند، جایی که خدمت، همدلی و مسئولیت‌پذیری از قالب توصیه‌های اخلاقی خارج و به یک تجربه واقعی تبدیل می‌شوند.

سرمایه‌ای از دل‌های مهربان

اربعین، تصویری متفاوت از روابط انسانی پیش‌روی انسان می‌گذارد. در این مسیر، میلیون‌ها نفر که پیش از آن شناختی از یکدیگر ندارند، در کنار هم زندگی می‌کنند و در بسیاری از موقعیت‌ها به یاری هم می‌شتابند. اگر سالمندی خسته شود، افراد زیادی برای کمک پیشقدم می‌شوند. اگر کودکی از خانواده‌اش دور بماند، دیگران برای پیدا کردن والدینش تلاش می‌کنند و اگر زائری مسیر را نداند، کسانی هستند که راهنمایی‌اش می‌کنند. این رفتارهای ساده، سرمایه‌های مهربانی هر جامعه می‌سازد. سرمایه‌ای که جامعه‌شناسان از آن با عنوان «سرمایه اجتماعی» یاد می‌کنند. اعت